

نامه‌نگاری (۲) نامه به دوستان و نزدیکان

نامه‌ی زیر را باهم بخوانیم :

فرزند عزیزم سلام،

هم‌اکنون نامه‌ات را خواندم. تأثیر آن را می‌توانی حدس بزنی؛ بی‌تابانه چشم به راه نامه‌ات بودم. به من حق خواهی داد که متوقع باشم. حال من و مادرت خوب است. بحمدالله سلامتیم. خاورت پس از ماه‌ها تلاش موفق شد در مرحله‌ی اول المپیاد ادبی کشور پیروز شود و آماده می‌شود تا بستان امسال به رقابت چهل و پنج نفر دیگر برود.

راستی در نامه‌ات از کلاس‌های درس، استادان، فضای دانشگاه و ... برایم بنویس.

می‌خواهم بدانم که آیا تاکنون توانسته‌ای خودت را با آن محیط مطابقت دهی یا نه؟

خوب است بدانی تا چند ماه دیگر بازنشست می‌شوم و مانده‌ام جز مطالعه، چه سرگرمی

یا کار دیگری برای خودم پیدا کنم.

فرزندم، سعی کن در کنار درس و کلاس و تحقیق و پژوهش از مطالعات جنبی نیز بازنمانی.

پدرت

در مقایسه‌ی این نامه با نامه‌های اداری درمی‌یابیم که جملات بیشتری در آن به کار رفته است، از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند، بیشتر ابتکاری و موافق با ذوق و طبع نویسنده و نوع مناسبات او با مخاطب است.

این نامه عاطفی‌تر، صمیمی‌تر و بی‌تکلف‌تر است و حرف‌های خصوصی در آن طرح

شده است. به این نامه، یک **نامه‌ی خصوصی و دوستانه** می‌گوییم.

اگر بخواهیم برای این گونه نامه‌ها ویژگی‌هایی قائل شویم، اساسی‌ترین ویژگی آن‌ها این

است که تقلیدی نیستند، لحن کلام در آن‌ها صمیمی و خودمانی است و از هرگونه تکلف

به دورند. ویژگی دیگر این نامه‌ها قالبی نبودن آن‌هاست.

نامه‌ی خصوصی را هرکس به شیوه‌ی دل‌خواه خود شروع و ختم می‌کند. متن این نامه‌ها نیز با یک‌دیگر متفاوت است. حسن نامه‌ی خصوصی در این است که همه‌ی عناصر آن از تصنع خالی باشند. بار معنایی در نامه‌ای که با عبارت‌های قالبی آغاز می‌شود و با آن‌ها پایان می‌یابد، بسیار ضعیف است؛ در حالی که اگر نامه با عبارت‌های ابتکاری – البته بی‌تکلف – و توأم با تازگی، آغاز گردد و پایان یابد، ضمن داشتن بار معنایی تأثیری مطلوب بر خواننده خواهد گذاشت.

به این جمله‌ها که در آغاز چند نامه آمده‌اند، توجه کنید :

□ اکنون که با تو درد دل می‌کنم خاطرم آزرده و دلم گرفته است، این آزرده‌گی خاطر و گرفتگی دل برای توست. می‌دانم که سخت تنهایت گذاشته‌اند.

□ از روز نگارش آخرین نامه‌ی من چند ماه و شاید بیش از دو فصل می‌گذرد و گویی همین دیروز بوده است.

□ درست است که از بازگشت به آغوش خانواده بسیار خوش‌حالم ولی در ته دل چیزی غیر عادی احساس می‌کنم و آن حضور توست. حضور پیوسته‌ی تو و از جان و دل آرزو دارم که یک روز هم‌دیگر را ببینیم.

□ هم‌اکنون نامه‌ی تبریکت را دریافت کردم. از این که هفته‌ها چشم به راهم گذاشتی و وادارم ساختی نامه‌ای آن‌چنانی را به تو بنویسم، باید شرم کنی؛ باری تو را می‌بخشم.

□ نامه‌ام را که بازخوانی کردم، خواستم پاره‌اش کنم، از بس بدخط بود ولی مهم آن است که تو بدانی ته دلم چه می‌گذرد.

اکنون به پایان چند نامه دقت کنید :

□ چیزهای فراوان دیگری برای نوشتن دارم ولی اگر بخواهم نامه را امروز پست کنم، باید همین‌جا تمامش کنم.

□ می‌دانم که نامه را باید به همین‌جا ختم کنم؛ چون حال خوب نیست و هنوز هیچ نشده دارم پرت و پلا می‌گویم.

* * *

فعالیت ۱

فکر کنید و پاسخ دهید :

از دو متن زیر کدام یک برای آغاز نامه‌ی دوستانه مناسب‌تر است؟ چرا؟

برادر عزیزم!

این روزها بی تاب و دل‌گرفته منتظر دریافت نامه‌ات بودم. فکرش را بکن؛ سه ماه بی خبری سخت نیست؟ وقتی تو بودی، هر شب کنارت می‌نشستم و تو با صمیمیت و محبت، به پرسش‌هایم پاسخ می‌گفتی و مشکلات درسی‌ام را با صبر و حوصله گوش می‌دادی و من مثل عطش زده‌ای که به چشمه‌ای زلال رسیده باشد، جرعه جرعه سخنانت را می‌نوشیدم.

* * *

برادرم،

بی‌هیچ رودربایستی باید بگویم تو بی‌تفاوتی را به حدّ اعلای خود رسانیدی. انتظار داشتم در حضور دوستانم از من جانب‌داری کنی. مگر من برادر و هم‌خونت نیستم؟ این شرمندگی نیست که چشم در چشم من، مرا محکوم سازی

در نوشتن نامه‌ی خصوصی به این نکات توجه داشته باشید :

۱) طول نامه باید با نوع مناسبات نویسنده و گیرنده متناسب باشد. گاه کوتاهی نامه از کم‌توجهی حکایت می‌کند که پسندیده نیست. نامه اگر طولانی شود، ملال‌آور خواهد بود.
۲) انتخاب کاغذ مناسب، خطّ خوانا، سطور مرتّب و منظمّ و پاکیزگی نامه، جلوه‌ای از حرمت‌گذاری به گیرنده است.

۳) در نامه‌ی خصوصی رعایت اعتدال شرط است؛ به خصوص اگر هدف گله‌گذاری یا اعتراض به مخاطب باشد، باید لحنی مناسب انتخاب شود. عجولانه کاری نکنیم که با نوشته‌ی خود موجب آزار دیگران و پشیمانی خود شویم. اگر در حال برآشفستگی نامه می‌نویسید، از فرستادن آن خودداری کنید و بگذارید چند روزی بگذرد و بعد از گذشت چند روز، برای فرستادن آن تصمیم بگیرید.

۴) نامه چون مکتوب است و تأثیر آن پایدارتر از گفتار؛ بنابراین، باید مواظب باشیم

با عبارات تند و تلخ مخاطب خود را نرنجانیم. در نظر داشته باشیم که نوشته در دست مخاطب «سندی اخلاقی» است و چه بسا در موقعیتی به زیان نویسنده از آن بهره‌گیری شود.

۵) نامه، هرچند خودمانی باشد، نباید به زبان شکسته و محاوره‌ای نوشته شود. شأن نامه این است که در عین سادگی به زبان معیار نزدیک باشد.

۶) سعی کنید پیش‌نویس نامه‌ی خود را حفظ کنید یا نسخه‌ای از نامه‌هایی را که می‌فرستید، برای خود نگه دارید. این نامه‌ها سوابقی از گذر عمر و در حکم خاطراتی به یادماندنی هستند. خواندن آن‌ها در لحظاتی از زندگی عبرت‌انگیز و لذت‌بخش خواهد بود.



فعالیت ۲

متن زیر را که بخش‌هایی از نامه‌ی پدری به پسر نوجوانش است بخوانید و درباره‌ی آن، با توجه به توضیحات درس، گفت‌وگو کنید.

فرزندم، از «قریحه‌ی دروغین» بپرهیز. بیشتر زندگی‌های به‌هدررفته و دوران تلخ پیری علتی جز فریفتگی به این قریحه ندارد. تو را می‌بینم که به سن نوجوانی رسیده‌ای. شانزده، هفده سالگی، سن شدیدترین آشفتگی‌های ذهنی. سن آگاهی به خود و توهم درباره‌ی نیروهای خود. در این سن شاید دلت به صدای بلند سخن بگوید و تو نتوانی جوشش‌های آن را مهار کنی.

در این سن، انسان که هنوز ناتوان است و خود را توانا می‌پندارد، به یافتن تکیه‌گاه‌ها و ریسمان‌هایی نیاز دارد و به نخستین یقین و انضباطی که ببیند چنگ می‌اندازد... به هوش باش! در همین سن است - و تو شاید آن را ندانی - که تخیلت صورت واقعیت را تغییر می‌دهد تا جایی که باطل را حق می‌انگارد و غالباً دنباله‌رو سلیقه‌های مصنوعی و موقتی و دل‌خواهی است. این تمایلات را کاملاً اصیل و از آن خود می‌شمارد؛ غافل از آن که این‌ها ذاتاً با او بیگانه‌اند.

چگونه می‌توانی خود را از این خطرها حفظ کنی؟ برایت نگرانم. آیا به اندرزهای من گوش خواهی داد؟

نخست آرزو دارم که به نصایح معلمان و اطرافیان و دوستانانت، همه‌ی کسانی که به گمانت روح تو را درک نمی‌کنند و چه بسا تو را بهتر از خودت می‌شناسند، بی‌اعتنایی نکنی. ولی به خصوص آرزو دارم که از خودت برحذر باشی. مواظب باش که درباره‌ی خود به اشتباه نیفتی و فریب ظواهر را نخوری.

سخنم را گوش کن. قریحه! مثالی می‌زنم. در ده یا دوازده سالگی، گمان می‌کردی که قریحه‌ی دریانوردی و اکتشاف سرزمین‌های ناشناخته را داری؛ زیرا داستان‌های پرحادثه را می‌خواندی. اکنون به آن تصوّرات کودکانه لبخند می‌زنی. بسیار خوب، در شانزده و هفده سالگی نیز اشتباهات مشابهی در کمین توست. هشیار باش و به تمایلات اعتماد نکن. گمان نبر که هنرمند یا مرد عمل یا قربانی عشق بزرگی شده‌ای؛ فقط به صرف این که، در کتاب‌ها یا در زندگی، شاعران کارگردانان بزرگ و عاشقان را تحسین کرده‌ای. صبورانه جست‌وجو کن تا به کنه طبیعت بی‌بیری. بکوش تا اندک اندک شخصیت واقعی خود را بیابی. این کار آسان نیست. بسیاری از مردم دیر به این مرحله می‌رسند و بسیاری هرگز نمی‌رسند. صبور باش؛ عجله‌ای در کار نیست. باید مدّت‌ها جست‌وجو کنی تا بدانی که کیستی ولی چون حس کردی که خودت را یافته‌ای، آن وقت همه‌ی جامه‌های عاریت را به دور بیفکن.

(خانواده‌ی تیبو، روزۀ مارتن دوگار، ترجمه‌ی ابوالحسن نجفی)

بیاموزیم

در نمونه‌های زیر حرف همزه را با حرف میانجی کوچک «ی» مقایسه کنید.

الف) مآذنه‌ی مسجد، ارائه‌ی گزارش، اسائه‌ی ادب، و...

ب) مآذنه‌ی مسجد، ارائه‌ی گزارش، اسائه‌ی ادب، و...

توضیح آن که:

۱) کلمات «مآذنه»، «ارائه»، «اسائه»، «شیء» و ... دارای حرف همزه هستند. همزه «ه» یکی از سی و سه حرف الفبای فارسی است و هرچند به «ی» میانجی کوچک (ه) شباهت دارد اما مستقل از آن است. این دو حرف را در مثال‌های «ارائه‌ی گزارش» یا «اسائه‌ی ادب» در کنار هم می‌بینیم.

۲) اگرچه املاهای هر دو ردیف کلمات بالا درست است اما بهتر است به جای «ی» میانجی کوچک «ه»، شکل بزرگ آن را به کار ببریم؛ زیرا «ی» میانجی کوچک به حرف همزه شباهت دارد و این امر موجب بدآموزی می‌شود.

خودآزمایی

- ۱) با رعایت اصول نامه‌نگاری دوستانه، برای یکی از افراد زیر نامه‌ای بنویسید.
 - برادر اسیرتان که چندین سال است در اسارت به سر می‌برد.
 - خواهرتان که در شهری دوردست زندگی می‌کند.
 - دوستی که سال‌هاست او را ندیده‌اید.
- ۲) دو نمونه از نامه‌های دوستانه و خصوصی بزرگان را در کلاس بخوانید.
- ۳) تفاوت واج و حرف را با یک مثال بنویسید.